

Journal of Islamic Education Research

Faculty of Literature and Humanities

Shahid Bahonar University of Kerman

Vol. 8, No. 1, Serial 13, 2019

Islamic pattern of “moral autonomy” based on grounded theory

T. Bahmani¹, Department of Elementary Education, Islamic Azad University of Behbahan, Behbahan, Iran. t.bahmani120@gmail.com

S. J. Hashemi, Department of Education, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Abstract: The purpose of the present study is to present the Islamic pattern of “moral autonomy” based on Quran and Holy Hadiths using the method of grounded theory. Moral autonomy means self-legislation, individual authority in ethical principles, ability of reasoning, free and responsible decision-making for action and its consequences. The study of Islamic resources and the code analysis showed that main causes and factors affecting moral autonomy include having the power of reason and ability to think and learn, human agency (originating from cognitive, attitudinal and voluntary fundamentals), human empowerment and his free will. Personal rationale and being morally agent in special fields and conditions include liberating and rational training in society, the value of knowing, encouraging and teaching to think in general field, the importance of accountability and public responsibility for personal and collective behaviors. Imitation, ignorance, relying on suspicion, precipitancy and coercion in personal and social field are disruptive factors of moral autonomy. Actions done by an independent moral agent include relying on rationale and focusing on personal responsibility,

¹ Corresponding Author

understanding the law from religious texts and orders, law-making and compliance with laws. The results of the mentioned strategies are accepting the guidance, conscious faith not the imitated one, calmness of heart in the world and salvation and Divine satisfaction in the Hereafter.

Keywords: Moral autonomy, Islamic pattern, Qur'an, Hadiths, Method of grounded theory

مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

الگوی اسلامی استقلال اخلاقی بر مبنای روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی

ظاهره بهمنی^۱

استادیار گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان، بهبهان، ایران.

t.bahmani120@gmail.com

سید جلال هاشمی

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

چکیده

هدف مقاله حاضر، ارائه الگوی اسلامی استقلال اخلاقی بر پایه قرآن و احادیث معصومان (ع) به روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی است. استقلال اخلاقی به معنای خود قانونگذاری، اقتدار فردی در اصول اخلاقی، توانایی استدلال، تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه برای عمل و پیامدهای آن است. بررسی منابع اسلامی و تحلیل کدگذاری‌ها نشان می‌دهد که موجبات اصلی و عوامل مؤثر بر استقلال اخلاقی عبارت‌اند از: داشتن قوه عقل و امکان اندیشیدن و آموختن برای انسان، عاملیت آدمی (که عملکرد بودن انسان از مبادی شناختی، گرایشی و ارادی عمل سرچشمه می‌گیرد)، اختیارمندی و اراده آزاد او که رهاورد عاملیت است. عقلانیت شخصی و از نظر اخلاقی عامل

^۱. نویسنده مسئول

بودن، در زمینه‌ها و شرایط خاصی نظیر وجود تربیت عقلانی و رهایی‌بخش در جامعه، ارزشمندی آگاهی و تشویق به اندیشیدن و آموزش تفکر در حوزه عمومی و اولویت مسئولیت‌شناسی و پاسخگویی همگانی در قبال اعمال شخصی و جمعی متبلور می‌شود. تقلید، جهل، تکیه بر ظن و گمان، شتابزدگی و اجبار کردن در حوزه فردی و اجتماعی عوامل مُخل استقلال اخلاقی هستند. کنش‌هایی که یک عامل مستقل اخلاقی انجام می‌دهد عبارت‌اند از: تکیه بر عقلانیت و تمرکز بر مسئولیت شخصی، قانون‌شناسی از نص دین، قانونگذاری و تبعیت از آن. نتیجه راهبردهای یاد شده، هدایت‌پذیری، ایمان‌آوری آگاهانه و نه ایمان تقلیدی، آرامش قلبی در دنیا، رستگاری و رضوان الهی در سرای آخرت است.

واژه‌های کلیدی: استقلال اخلاقی، الگوی اسلامی، قرآن، احادیث، روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی.

۱- مقدمه

شناخت انسان و بررسی عمیق ابعاد وجودی او از ضروریات و مقدمات تعلیم و تربیت برای سعادت‌مندی او و کامیابی بیشتر از زندگی است؛ به همین دلیل در دین مبین اسلام بر معرفت نفس تأکید شده است. انسان در اسلام دارای ذاتی برتر و شریف‌تر از همه پدیده‌های طبیعت است. انسان موجودی است که به واسطه خلقتش دارای علم و اختیار است و می‌تواند مصالح را با قوه عقل از مفاسد تشخیص دهد و با آزادی انتخاب کند و به دلیل همین آفرینش ویژه‌اش، بار سنگین تکالیف الهی را تحمل کند. علامه طباطبایی بیان می‌کند: «صنع الهی، انسان را مختار در کار خود آفریده و به او آزادی عمل داده است؛ به طوری که در هنگام انجام هر عملی بتواند به طرف فعل و انجام و ترک آن متمایل شود. اگر خواست آن را انجام دهد و اگر نخواست ندهد ... و احدی حق ندارد به هوای دل خود بر دیگران تحکم کند» (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۸۹). اجبار از سوی دیگران، ناقض اساسی‌ترین خصیصه‌های انسانی، یعنی اراده آزاد و استقلال در تصمیم‌گیری و عمل است؛ بنابراین از منظر اسلام، داشتن استقلال^۱ و آزادی عمل انسان یکی از ویژگی‌هایی است که باید محترم شمرده شود. این امر به ویژه در مسائل اخلاقی نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا شرط فعل اخلاقی، داشتن اختیار و استقلال است و هر چند که همه ارزش‌ها اخلاقی نیستند؛ ولی در اخلاقیات، انسان دارای استقلال اخلاقی است و همواره در تعامل میان انسان عامل و موقعیت-های اخلاقی روزمره، وی در فرایندی مستقلانه، اخلاقی عمل می‌کند؛ از همین رو، تبیین و ارائه فرایند استقلال اخلاقی هم واجد اهمیت بوده و هم دارای دلالت‌های مهمی در تعلیم و تربیت و علوم کاربردی است. در این راستا، در مقاله حاضر سعی شده با استفاده از روش پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی، آیات قرآن و احادیث معصومان (ع) در زمینه استقلال اخلاقی با هدف ارائه الگوی اسلامی استقلال اخلاقی بررسی و تحلیل شوند. نوآوری و ایده اصلی این

1. Autonomy

برای واژه «آتونومی» در زبان فارسی معادل‌هایی نظیر خودقانونگذاری، استقلال، خودآیینی، خودمختاری، خودگردانی، خودفرمانی و خودتکلیفی پیشنهاد شده است.

تحقیق دستیابی به مدلی جامع است که بر پایه قرآن و منابع روایی اسلامی، استقلال اخلاقی را تحلیل و چگونگی انجام آن را تبیین کند و الگویی برای استقلال اخلاقی ارائه نماید.

۲- بحث

۲-۱- مفهوم استقلال اخلاقی^۱

استقلال واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی به داشتن آزادی، بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن، خودگردانی و در دست داشتن سرنوشت خود و عدم وابستگی برگردانده شده است (عمید، ۱۳۸۶). از لحاظ اصطلاحی نیز، کروفلیک^۲ (۲۰۰۵)، استقلال را آزادی مثبت برای تصمیم‌گیری مطابق با اصول عقلانی می‌داند. واژه اخلاق^۳ از نظر لغوی به معنای «کیفیت شخصیتی همگون با استانداردهای رفتاری درست و خوب»، «سیستمی از ایده‌های مربوط به رفتارهای درست و غلط» و بالاخره، «عملکرد سنجیده و ارزشمند» و از نظر اصطلاحی به «ملکات و مجموعه صفات پایدار» یا «ساختار شخصیتی خاص که منشأ رفتارهای ویژه می‌شود»، گفته می‌شود (جرجانی، ۱۳۰۶: ۴۵). عالمان اخلاق هم معمولاً همین مفهوم را در دانش اخلاق به کار برده‌اند (امینی، ۱۳۹۲). شینویند^۴ (۱۹۹۹)، استقلال اخلاقی را به معنای خود قانونگذاری، اقتدار فردی در اصول اخلاقی و اطاعت از قوانین خود، توانایی استدلال، تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولیت افراد برای عمل و پیامدهای آن تعریف می‌کند. در مقابل واژه استقلال و خودگردانی، واژه دگرگردانی^۵ قرار دارد که امروزه به معنای کسی است که به هر نحو اجازه دهد تا دیگران برای او تصمیم بگیرند (سالیوان، ۱۳۸۰).

1. Moral autonomy

2. Kroflic

3. Morality

4. Schneewind

5. Heteronomy

کانت برای نخستین بار، اصطلاح استقلال اخلاقی را به صورت منسجم در حوزه فلسفه اخلاق مطرح کرد. از نظر او انسان به واسطه داشتن عقل و اراده آزاد، قانونگذار خود است و قادر است اصول اخلاقی را با استفاده از خرد خود وضع نموده و در عمل به کار گیرد (کانت، ۱۳۹۲). دیردن (۱۹۷۵) فیلسوف تحلیلی معاصر، در توضیح مفهوم استقلال اخلاقی اعتقاد دارد یک فرد تا آنجا از نظر اخلاقی و باورها مستقل تلقی می شود که آنچه می اندیشد با فعالیت ذهنی اش (و نه تلقین ها و دخالت های دیگران) قابل توضیح باشد و تا آنجا از نظر کنش مستقل تلقی می شود که آنچه انجام می دهد به وسیله فعالیت ذهنش قابل توضیح باشد. از نظر وی، استقلال اخلاقی و کنش اخلاقی با یکدیگر مرتبط هستند؛ زیرا افراد اغلب بر مبنای باورهایشان عمل می کنند. دیردن معتقد است که ظرفیت اندیشه و کنش مستقل به طور قطع به توانایی زیستن یک زندگی خوب کمک می کند (نیکل^۱، ۲۰۰۷).

در واقع، رفتارها و کنش زمانی می توانند اخلاقی دانسته شوند که پساقاردادی (آخرین مرحله رشد اخلاقی از نظر کلبِرگ^۲)، خود هدایت شده و مسئولانه باشند. چنین کنش هایی معنای درست استقلال اخلاقی هستند. هدف اخلاق، چیزی جز توانا کردن انسان ها به اتخاذ تصمیمات مستقل و

^۱ Nickel

^۲ کلبِرگ مراحل رشد اخلاقی را جهان شمول و از قبل برنامه ریزی شده می داند که طی سه سطح و شش مرحله اخلاقی صورت می گیرد؛ **سطح اول: اخلاق پیش قراردادی** (مرحله ۱- اجتناب از تنبیه، مرحله ۲- کسب پاداش) که قضاوت اخلاقی افراد در این سطح مبتنی بر اجتناب از مجازات یا کسب پاداش است. **سطح دوم: اخلاق متعارف یا قراردادی** (مرحله ۳- تحسین و تأیید از جانب والدین، مرحله ۴- حفظ نظم اجتماعی و وظیفه شناسی) که افراد در این سطح علاقه مندند با کارهای خود والدین و دیگران را خشنود سازند. آنها به اطاعت کامل از قوانین گرایش داشته و آنچه برایشان مهم است، حفظ نظم جامعه است. **سطح سوم: اخلاق پساقاردادی** (مرحله ۵- قرارداد اجتماعی، مرحله ۶- پایبندی به اصول همگانی و وجدان فردی است که بالاترین مرحله رشد اخلاقی بوده و شامل کاربرد اصول مطلق و جهانی عدالت، برابری و احترام به حقوق و زندگی انسان هاست). رسیدن به این سطح نشانه ای از رسیدن به اخلاق واقعی است. در این سطح، فرد برای اولین بار متوجه می شود که ممکن است بین دو معیار پذیرفته شده اخلاقی تضاد وجود داشته باشد و او باید به نوعی آنها را برای خود حل و فصل نماید.

مسئولانه به دلیل احساس وظیفه نیست. هدف اخلاق، تقویت انسان پساقراردادی و بالغ است. همان‌طور که کانت توصیف کرده، مستقل بودن در این معنا به معنای برخورداری از یک «اراده خود قانونگذار» است. عامل مستقل اخلاقی، عاملی است که خود هدایت‌کننده باشد، نه عاملی که از دستورات دیگران پیروی می‌کند (گارسیا، ۲۰۱۲).

به اعتقاد کانت (۱۳۹۲)، انسان موجودی مستقل است و استقلال اراده، برترین اصل اخلاقی است؛ چون مبدأ کرامت ذاتی انسان به شمار می‌آید. انسان به واسطه داشتن دو ویژگی «عقل» و «اراده آزاد» است که توانایی خود قانونگذاری، خودفرمانی و تعیین ارزش‌های زندگی را دارد. کانت عقل را منشأ اخلاق و منشأ صدور کردارهای اخلاقی می‌داند که تصمیم‌های اخلاقی دشوار و متعارض از آن بر می‌آید و برای اینکه به این مهم نائل شود، باید از سلطه نظارت‌های بیرونی رها گردد. به اعتقاد او، «وظیفه اصلی و حقیقی عقل عملی، شناختن نیک و شر و هدایت انسان به سوی کردار اخلاقی است» (کانت، ۱۳۸۷: ۱۰۱). وی آزادی و استقلال را متعلق به حوزه عقل عملی می‌داند؛ زیرا در این قلمرو به دلیل داشتن اراده، امکان آزادی و اختیار برای هر انسانی وجود دارد. انسان اخلاقی کانت، به طور ارادی اقدام به فعل اخلاقی می‌کند و در زمان تعارض بین امیال و اخلاق است که آزادی او تجلی می‌یابد. به باور کانت (۱۳۸۸)، اگر اراده آزاد فرد به کمک عقل و بدون اثرپذیری از شرایط و قوانین بیرونی، قانون جهان‌شمولی وضع کند، این قانون اخلاقی و «امر مطلق» بوده و هر دستور متعارض با آن غیراخلاقی است. مفهوم استقلال اخلاقی نیز از همین استدلال به دست می‌آید که انسان قابلیت وضع قانون اخلاقی را دارد؛ به عبارت دیگر، انسان واجد استقلال اخلاقی کسی است که اراده عقلانی او مبنای ساخت دیگر قوانین زندگی‌اش باشد. از منظر کانت از آنجا که انسان دارای اراده آزاد است، می‌تواند به طور مستقل عمل کند. آگاهی از قانون اخلاقی و آگاهی از آزادی و پیروی از آن، رهایی از تبعیت همه

^۱. Gracia

عامل‌های بیرونی و درونی، یعنی رسیدن به آزادی معنوی است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷). به اعتقاد کانت، «آزادی اراده، شرط قانون اخلاقی است» (کانت، ۱۳۸۷: ۸۸) و اصول عقلانی، برآمده از آزادی اراده است که انسان را ملزم به اخلاقی بودن می‌کند. به زعم کانت (۱۳۸۵)، آزادی تنها زمانی ممکن می‌شود که انسان بتواند اراده خویش را فراتر از طبیعت مادی و اجتماعی خود تعیین ببخشد و چون انسان تنها موجودی است که می‌تواند اراده خود را برخلاف سلطه طبیعت و اجتماع و در پایگاهی استعلایی تحقق بخشد، تنها موجودی است که می‌تواند آزاد باشد. اساس فلسفی تأکید بر آزادی عبارت است از پذیرش این اصل که همه انسان‌ها توانایی تفکر دارند. عقلانیت، ضامن آزادی فردی است و فرد تنها در آزادی می‌تواند به فرمان عقل آن‌طور که می‌خواهد، زندگی کند (بهمنی و دیگران، ۱۳۹۵).

در ادامه باید تعریف انسان عقلانی را یادآور شد؛ «انسان عقلانی کسی است که با توسل به دلایل به جا و با علاقه و توانمندی به ارزیابی مسائل می‌پردازد؛ علاوه بر آن، او باید دلایل موجه در زمینه‌های مختلف را درک کند، اطلاعات لازم [را] در اختیار داشته باشد، توانایی شناخت راه‌ها و راه‌حل‌های جایگزین دیگر را حاصل نماید و بالاخره، مسئله را با دیدی پرسشگرانه نگاه کند» (بارو و وودز، ۱۳۷۶: ۱۲۵)؛ بنابراین، در واقع استقلال اخلاقی، توانایی ارزیابی عقلانی در افراد است. فرد واجد استقلال اخلاقی، در عین حال که در ارتباط با عوامل بیرونی قرار دارد، یاد می‌گیرد که با ارزیابی، جنبه‌های مثبت و منفی امور را بازشناسی کند. رشد قوه قضاوت و داوری مانع از آن می‌شود که فرد به صورت منفعل ارزش‌ها و باورها را بپذیرد؛ بلکه توانایی آن را پیدا می‌کند تا در مقابل عقاید موضعی اتخاذ کند؛ در واقع، داوری و تأمل عقلانی فعالیتی است که طی آن فرد با تفکیک عناصر مختلف یک پدیده و ذکر دلایل متقاعدکننده، آنها را ارزیابی می‌کند. در این معنا، داوری مستلزم بحث و گفت‌وگوی متقابل خواهد بود و با اظهار یک ادعای کلی تمام نمی‌شود. فرد واجد استقلال اخلاقی می‌آموزد که چگونه موانع را شناسایی کند و در صورت لزوم متوقف شود و یا از کنار آنها بگذرد.

دو نکته مهم درباره استقلال اخلاقی این است که اولاً، هدف استقلال اخلاقی، بازداشتن مردم از توجه به سخنان افراد متخصص یا صاحب نظر نیست. فرد دارای استقلال اخلاقی ممکن است در حین اتخاذ یک تصمیم یا انتخاب بین چند دیدگاه، از توصیه افراد باتجربه و کاردان بهره گیرد و ترغیب‌ها و اظهارنظرهای آمرانه و جانب‌دارانه را نیز بشنود؛ اما در نهایت خود اوست که قضاوت نهایی را انجام می‌دهد؛ بنابراین، ملاک استقلال اخلاقی، درونی بودن «خاستگاه» تصمیم و انتخاب است (دیردن، ۱۹۷۵)؛ در واقع، تأکید بر استقلال اخلاقی، تلاش در جهت طرد این تمایل است که فرد یک مطلب را به صرف اینکه قول شخص خاصی است، حقیقت محض، درست و خوب بداند و تمایلات مبنی بر قبول بی‌چون و چرای عقاید و باورهایی را که از طرف افراد صاحب‌مقام مطرح می‌شود، از بین ببرد. ثانیاً، توجه به محوریت عقل در استقلال اخلاقی به معنای نادیده گرفتن عواطف و احساسات نیست؛ بلکه همان‌طور که کانت بدان نظر داشته، منظور عقلانی کردن امیال، گرایش‌ها و عواطف و تحت کنترل درآوردن آنهاست؛ به علاوه، توجه به عقلانیت به معنای نادیده گرفتن سایر منابع شناخت نیز نیست؛ همان‌گونه که خود کانت نیز برای عقل محدودیت‌هایی قائل می‌شود و معتقد است زمینه‌هایی وجود دارد که عقل قادر به شناسایی آنها نیست.

۲-۲- استقلال اخلاقی از نظر اسلام

مفهوم استقلال اخلاقی به صراحت در قرآن کریم نیامده؛ اما می‌توان معنای آن را در این کتاب مقدس یافت. آیاتی که انسان را موجودی مختار و انتخاب‌گر^۱ معرفی می‌کنند، بر استقلال اخلاقی او دلالت دارند. عاملیت و اراده آزاد انسان در این آیات بازتاب یافته است: «هر کس بخواهد

۱. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان: ۳)؛ ... فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا... (کهف: ۲۹)؛ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَهًا مَّا بَا.

راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند^۱؛ این یک تذکر و یادآوری است و هر کس بخواهد، (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند^۲؛ یعنی در پرتوی قوه عقل پس از بررسی جوانب مختلف فعل، انجام یا ترک آن را برمی‌گزیند. انسان به حکم اینکه از نور خرد و موهبت اختیار برخوردار است، می‌تواند انتخاب کند و در مقابل انتخاب خویش مسئول است^۳؛ همچنین در سوره مبارکه انشقاق آمده: «پس چرا آنان ایمان نمی‌آورند؟ و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می‌شود، سجده نمی‌کنند؟»^۴. طبرسی در مجمع‌البیان از این آیات، اصل اختیار و آزادی اراده را استنتاج کرده؛ زیرا ملامت بر ترک سجده و ترک ایمان در مورد افراد مجبور، از خداوند حکیم قبیح است (طبرسی، ۱۳۵۲، ج ۷: ۷۹). خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «سپس راه را برای او آسان کرد»^۵ و نمی‌فرماید او را مجبور به پیمودن این راه کرده‌است که این خود، تأکید دیگری بر مسئله آزادی اراده انسان و اختیار اوست.

همان‌گونه که بیان شد، آزادی و عقلانیت از نظر کانت، عنصر و لازمه استقلال اخلاقی است. قرآن کریم نیز، در آیاتی انسان را به تعقل و تفکر دعوت نموده و کسانی را که از عقل خود بهره نمی‌برند، پست‌ترین جنبندگان خوانده‌است (اعراف: ۱۷۹) و پیروی کورکورانه از گذشتگان را به شدت نکوهش کرده‌است. قرآن به جای آنکه انسان را به پذیرش بی‌دلیل عقاید دینی و اخلاقی بخواند، دعوت به دلیل‌آوری و عقلانیت می‌کند. به زعم فنایی (۱۳۹۳)، قرآن بر فردیت انسان‌ها و بر این نکته بسیار تأکید می‌ورزد که هر انسانی مسئول اعمال و رفتار خود بوده و تنها خود

۱. نبأ: ۳۹.

۲. إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا (انسان: ۲۹).

۳. اسراء: ۳۴ و ۳۶؛ قیامت: ۳۶.

۴. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (انشقاق: ۲۰-۲۱).

۵. ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ (عبس: ۲۰).

اوست که باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد^۱ و هیچ کس بار دیگری را بر دوش نمی گیرد^۲. از نظر قرآن، هر انسانی به تنهایی در پیشگاه خداوند محشور می شود^۳. به تنهایی محشور شدن در پیشگاه خداوند، کنایه از این است که شخص دیگری در آنجا حضور ندارد که بتواند بار مسئولیت گفتار و کردار آدمی را بر دوش بگیرد و آدمی به بهانه تکیه بر سخن یا دستور یا توصیه او بتواند برای کاری که کرده، توجیه قانع کننده ای به دست دهد و مسئولیت خود را به دوش دیگری بیندازد؛ اما نکته این است که هر انسانی، در صورتی مسئول کارهای خود خواهد بود که حق داشته باشد بر اساس فهم خود تصمیم بگیرد و عمل کند؛ یعنی بتواند «خودفرمانروا» باشد و خودفرمانروایی او، یعنی تصمیم گیری و عمل بر اساس فهم خود او به رسمیت شناخته شود؛ همچنین، حق انتخاب و داشتن اراده برای انتخاب راه و چاه، پایه جهت گیری انبیای الهی است و آزادی برای انتخاب، فرصت و ابزاری است که مردم بتوانند سخن های گوناگون را بشنوند، مقایسه کنند و از میان آنها بهترین را برگزینند^۴. به این جهت، قدرت اندیشه و آزادی انتخاب امکان هایی هستند برای مسئولیت شخصی انسان در باب رشد اخلاقی و تعالی معنوی خویش و نیز، ابزارهایی برای مبارزه با آفات دینداری همچون غلو، تحریف و انحراف و پیشگیری از فاسد شدن دین.

۱. بقره: ۱۳۹؛ قصص: ۵۵؛ شوری: ۱۵.

۲. انعام: ۱۶۴؛ اسراء: ۱۵؛ فاطر: ۱۸؛ زمر: ۷؛ نجم: ۳۸.

۳. مریم: ۹۵.

۴. زمر: ۱۷-۱۸.

۲-۳- روش‌شناسی پژوهش

استراتژی پژوهشی این تحقیق، روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی^۱ است. این روش در یک سطح مفهومی گسترده، یک فرایند، یک اقدام یا یک تعامل پیرامون موضوعی اساسی را توضیح می‌دهد و بر سه عنصر مفاهیم، مقوله‌ها (طبقه‌ها) و قضیه‌ها یا آنچه از ابتدا فرضیه نامیده می‌شود، استوار است. سه فرایند این روش عبارت‌اند از: ۱- کدگذاری باز، شامل شکل‌گیری مفاهیم و کشف مقوله‌های پژوهش؛ ۲- کدگذاری محوری با هدف برقراری و تبیین رابطه بین مفاهیم و مقوله‌ها و ارائه الگوی مفهومی و ۳- کدگذاری انتخابی، یعنی تجزیه و تحلیل و یکپارچه‌سازی مفاهیم و مقوله‌ها از طریق کدگذاری انتخابی و با هدف نظریه‌پردازی (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶).

۲-۴- نتایج کدگذاری

۲-۴-۱- مرحله ۱- کدگذاری باز

محقق در این روش همزمان با جمع‌آوری داده‌ها به کدگذاری باز می‌پردازد. این به معنی بررسی خط به خط داده‌ها و شناخت فرایندها در آن است. کدگذاری باز شامل تجزیه، آزمون، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی داده‌هاست (کلاکی، ۱۳۸۸). کدگذاری در این روش پژوهش، شکلی از تحلیل محتواست (با این تفاوت که در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی، فراوانی استفاده از کلمات و جملات مورد استناد قرار نمی‌گیرد) که در پی یافتن و مفهوم‌سازی موضوعات قابل بحثی است که در میان انبوه داده‌های اطلاعاتی وجود دارند؛ در حقیقت، پژوهشگر در خلال تحلیل یک آیه یا حدیث به این نکته پی خواهد برد که در قرآن و احادیث معصومان (ع) از کلمه یا عباراتی استفاده شده که موضوعات قابل بحثی را درباره پدیده مورد بررسی برجسته می‌کند. در این مرحله از تحقیق، جست‌وجوی واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات مشابه درباره استقلال

¹ Grounded Theory

اخلاقی در خلال آیات و احادیث مدّ نظر بوده‌است. تفکیک عبارات و حتی کلمات به‌وسیلهٔ پژوهشگر و قرار دادن آن در یک جدول که طی یک فرایند صورت می‌گیرد، فرایند کدگذاری نامیده می‌شود. در این مرحله، پس از جمع‌آوری داده‌ها و استخراج نکات مرتبط با استقلال اخلاقی در قرآن کریم و نرم‌افزار جامع‌الاحادیث به کدگذاری باز و مقوله‌بندی داده‌ها پرداخته شده‌است. جدول ۱، کدگذاری باز با توجه به قرآن کریم و جدول ۲، کدگذاری باز بر اساس احادیث را نشان می‌دهد.

جدول ۱- کدگذاری باز و نکات کلیدی با توجه به آیات قرآنی

نشانهگر (آیه)	نکات کلیدی	کد
مؤمنون: ۶۸	آیا در سخنی که گفته می‌شود، نمی‌اندیشید؟	تفکر و بصیرت
زمر: ۱۷-۱۸	مژده بده به بندگان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند.	
اعراف: ۱۵۷	و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (آزادی عقل برای فهم بهتر) بر می‌دارد	
ملک: ۱۰	می‌گویند اگر ما گوش شنوا و عقل بیداری داشتیم، در میان دوزخیان نبودیم.	
یوسف: ۱۰۸	بگو من و پیروانم، همگان را در عین بصیرت به سوی خدا می‌خوانیم.	
انعام: ۱۰۴	حقیقتاً بصیرت‌هایی از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده، هر که آنها را ببیند، به نفع خودش است و هر که نبیند، به ضرر خودش و من نگهبان شما نیستم.	

انعام: ۱۶۴	و هیچ کس بار دیگری را به دوش نمی کشد.	مسئول اعمال خود بودن
زلزله: ۹-۸	پس هر که ذره ای نیکی کند، (نتیجه) آن را می بیند. و هر که ذره ای بدی کند، (نتیجه) آن را می بیند.	
مدثر: ۳۸	هر کس در گروهی عمل خویش است.	
نحل: ۱۲۵	مردم را با حکمت و اندرز به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنها مجادله و گفت و گو کن.	گفت و گو
زمر: ۱۸-۱۷	پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می شنوند و ...	
احزاب: ۶۷	و می گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند.	مذمت پیروی از شخصیت ها و لزوم تدبیر و خودفرمانروایی
انعام: ۱۱۶	اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند، اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می نمایند و تخمین و حدس (واهی) می زنند.	
توبه: ۳۱	(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند.	
بقره: ۲۵۶	اجباری در دین نیست.	
یونس: ۹۹	آیا تو مردم را مجبور می کنی که ایمان بیاورند؟	آزادی انتخاب و نبود اجبار
غاشیه: ۲۲-۲۱	ای پیامبر! وظیفه تو تذکر دادن است. تو بر آنها مسلط نیستی که بخواهی به زور مردم را مسلمان و مؤمن کنی.	

انسان: ۳	ما راه را نشان داده‌ایم؛ خواه سپاس به جای آورند و خواه کفر ورزند.	
کهف: ۲۰۹	و بگو حق از جانب خداست؛ پس هر که خواست ایمان بیاورد و هر که خواست کفر ورزد.	
ق: ۱۰۴	... و تو به زور وادارنده آنها نیستی؛ پس به وسیله قرآن به هر کسی که از وعده‌های الهی می ترسد، پند بده.	
یونس: ۳۹	و از مردم، کسی هست که در مورد خدا به جدال می پردازد؛ بدون هیچ دانشی و نه هدایتی و نه کتابی تابناک.	دوری از ظن و گمان به جای علم و یقین
حج: ۸	آنانکه به روز بازپسین ایمان نمی آورند ... و فقط از تخمین و حدس و پندار متابعت می کنند و حقا که ظن و پندار به هیچ وجه انسان را از وصول به حق و واقعیت امر، بی نیاز نمی گرداند.	
نجم: ۲۷-۳۰	همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی اند که خدا هدایشان کرده و آنها خردمنداند.	
زمر: ۱۸	اگر ما گوش و عقل خود را به کار گرفته بودیم، اهل آتش نبودیم (هدایت می شدیم)	پیروی از حق برای رسیدن به هدایت

جدول ۲- کدگذاری باز و نکات کلیدی با توجه به احادیث

کد	نکات کلیدی	نشانگر (حدیث)
شناخت	هر کس کاری را بدون شناخت انجام دهد، تباہکاری او بیشتر است از آنچه سامان می دهد.	۷۹، پیامبر اکرم (ص)
	هیچ عملی نیست مگر آنکه تو در آن نیازمند شناخت هستی.	۵۷۳۷، امام علی (ع)
	خداوند هیچ عملی را جز با شناخت نپذیرد و هیچ شناختی را جز با عمل.	۱۴۴۱، امام صادق (ع)
عقل	همه خوبی ها با عقل شناخته می شود و کسی که عقل ندارد، دین ندارد.	۵۸۱، پیامبر اکرم (ص)
	آنچه را بر تو مشتبه می شود، با کمک عقلت تمیز بده.	۱۷۰۱، پیامبر اکرم (ص)
	بدبخت کسی است که از عقل و تجربه خود بهره نگیرد.	۴۰۴۹، امام علی (ع)
	گروه هایی به سوی بهشت پیشی گرفتند که در موعظه های الهی تعقل کردند.	۳۵۲، امام علی (ع)
	ستون انسانیت عقل است. عقل راهنمای انسان است و مسیر حرکت انسان را می شناسد.	۳۴۹، امام صادق (ع)
	میان حق و باطل جز کم عقلی فاصله ای نیست.	۱۶، امام محمد باقر (ع)
	هرگاه خواستی کاری را انجام دهی، تأمل کن تا خدا راه را به تو نشان دهد.	۶۳۵، پیامبر اکرم (ص)
	مشورت با عاقل خیر خواه مایه هدایت است.	۴۱۸۵، پیامبر اکرم (ص)

۹۴۰، پیامبر اکرم (ص)	با خردمندان مشورت کنید تا به راستی راه ببرید و از راهنمایی آنان سرپیچی نکنید که پشیمان می‌شوید.	مشورت با خردمندان
۲۸۵۵، پیامبر اکرم (ص)	کسی که از روی فهم عبادت نکند، مانند خر آسیاست.	فهم
۴۵۴۸، پیامبر اکرم (ص)	ستون دین، فهم است.	
۴۷۲۶، امام علی (ع)	همّت‌تان درایت و فهم حدیث باشد نه روایت و نقل آن.	
۵۵۵۴، امام علی (ع)	دینداری که همراه با فهم و آگاهی نباشد، خیری در آن نیست.	
۲۰۶۷، امام صادق (ع)	بنده‌ای حقیقت ایمان را به کمال نمی‌رساند، مگر آنکه سه خصلت در او باشد؛ فهم در دین، برنامه‌ریزی درست در معاش و شکیبایی در گرفتاری‌ها.	
۲۸۹۰، پیامبر اکرم (ص)	خواب توأم با دانش، بهتر از نماز با نادانی است.	
۳۸، امام حسین (ع)	از نشانه‌های دانا، نقّادی و بررسی گفتار خود و آگاهی از حقایق رأی است.	
۳۷۱، امام علی (ع)	دانایی ریشه همه خوبی‌ها و نادانی ریشه همه بدی‌هاست.	
۶۹۴، امام علی (ع)	عاقبت‌اندیشی پیش از شروع کار، از پشیمانی ایمن می‌سازد.	دوران‌دیشی و عاقبت‌اندیشی
۱۵۴، پیامبر اکرم (ص)	پیروزی در گروهی اراده قاطع و دوران‌دیشی است.	

<p>هرگز بنده دیگران مباش که خدای سبحان تو را آزاد آفریده است.</p>	<p>۴۷۰۶، امام علی (ع)</p>	<p>اختیار و آزادی</p>
<p>خدا بندگان را مختار آفریده و تکلیف دشوار نداده، نه با زور نافرمانی شود و نه با اکراه و اجبار فرمانداری.</p>	<p>۳۱۹۴، امام علی (ع)</p>	
<p>ای مردم! آدم نه بنده ای زایید و نه کنیزی. مردم همه آزادند.</p>	<p>۴۷۰۵، امام علی (ع)</p>	
<p>خدا خیر و شر را به انسان الهام کرد؛ یعنی انسان را آگاه کرد و آنگاه اختیار انتخاب را به او داد.</p>	<p>۲۳۲۲، امام صادق (ع)</p>	
<p>خداوند بندگان خود را فرمان داده، حال آنکه آنان مختارند.</p>	<p>۳۱۹۴، امام علی (ع)</p>	
<p>آن کس که بصیرت و بینش را از دست دهد، نظرش هم نادرست و بی ارزش است.</p>	<p>۱۷۳۱، امام علی (ع)</p>	<p>بصیرت</p>
<p>بینا کسی است که بشنود، بیندیشد و ببیند و بنگرد. از عبرت ها سود ببرد، آنگاه جاده های روشن را ببیند و از افتادن در پرتگاه های گمراهی دوری گزیند.</p>	<p>۵۳۵۱، امام علی (ع)</p>	
<p>هر کس شتاب کند، لغزشش بسیار شود.</p>	<p>۱۰۸۷، امام علی (ع)</p>	<p>نهی شتابزدگی</p>
<p>آنکه تندروی کند، به حق نمی رسد.</p>	<p>۵۸۹۰، امام علی (ع)</p>	
<p>عمل کننده بی بصیرت مانده رونده به بی راهه است و شتاب در رفتن جز به دوری از مقصد نیفزاید.</p>	<p>۵۱۵، امام صادق (ع)</p>	
<p>کمتر می شود که چاره گری شخص شتابزده به نتیجه برسد.</p>	<p>۲۴۰۹، امام علی (ع)</p>	
<p>اگر نسبت به دینت آگاهی نداری، برو و آن را تحصیل کن.</p>	<p>۸۲، امام حسین (ع)</p>	<p>تحصیل دانش</p>
<p>تحصیل دانش، سبب باروری شناخت است.</p>	<p>۹۵، امام حسین (ع)</p>	

آگاهی و دانایی	بالاترین درجه دانایی، تشخیص اخلاق از یکدیگر و آشکار کردن اخلاق پسندیده و سرکوب اخلاق ناپسند است.	۴۰۲، امام علی (ع)
نهی جمع گرایی	همرنگ جماعت نباش که بگویی من تابع مردم هستم و من هم مثل بقیه مردم.	۱۲۴۵، امام صادق (ع)
نهی شخصیت گرایی	کسی که از طریق مجذوب شدن به شخصیت اشخاص به دین درآید، همان اشخاص از آن خارجش کنند.	۱۷۷۰، امام صادق (ع)
نهی پیروی از نفس	احمق ترین شخص کسی است که پیرو هوای نفس باشد.	۲۵۶۲، پیامبر اکرم (ص)
نهی پیروی نیندیشیده	سست رأی و دهان بین مباش.	۲۴۴۵، امام صادق (ع)
	دو کار هلاکت بار است؛ به رأی خود به مردم فتوا دهی یا ندانسته از عقیده ای پیروی کنی.	۱۰۷۷، امام صادق (ع)
	کسی که ندانسته عقیده ای را بپذیرد، ندانسته هم از آن خارج شود.	۱۷۷۱، امام صادق (ع)
نهی ناآگاهی و عدم فهم	هرگاه خدا بنده ای را دوست بدارد، فهم عمیق در دین بدو بخشد و با یقین او را نیرومند می کند.	۱۰۲۵، امام صادق (ع)
	یکی از خصلت های نادان این است که قبل از شنیدن پاسخ دهد و پیش از آنکه بفهمد، به مخالفت برمی خیزد و ندانسته حکم می کند.	۱۹۶۵، امام صادق (ع)
یقین	هیچ عبادتی جز با یقین ارزش ندارد.	۲۹۷۹، پیامبر اکرم (ص)

هر کس بر اساس شك و گمان عمل کند، خدا عملش را باطل گرداند.	۱۹۲۶، امام صادق (ع)
در راهی که از گمگشتگی در آن بیم داری، گام نزن؛ زیرا خود را از سرگردانی گمراهی نگاه داشتن، بهتر از نشستن بر مرکب هراس هاست.	۱۲۴۳، امام علی (ع)
آرای خود را با یکدیگر در میان بگذارید تا اندیشه درست پدید آید.	۷۵۷، امام علی (ع)
همانا مردم نابود می شوند؛ چون نمی پرسند.	۲۴۰۴، امام صادق (ع)
بکوش تا جست و جوی تو از روی درک عمیق و آموزش باشد، نه به شبهه ها در افتادن و جدال را بالا بردن.	۶۲۸۴، امام علی (ع)
نوجوانان را تربیت کن که این گروه در پذیرش هر خوبی بیشتر شتاب می کنند.	۱۱۵، امام صادق (ع)
به زودی دو گروه نسبت به من هلاک می گردند؛ دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود و دشمنی که در کینه توزی زیاده روی کرده و به باطل در آید.	خطبه ۱۲۷، امام علی (ع)
نادان را جز در دو حال نمی بینی؛ تندروی یا کندروی	۶۴۰۱، امام علی (ع)
هر کس امور را تجربه نکند، فریب می خورد.	۴۸۶۹، امام علی (ع)
نادانی ریشه همه بدی هاست.	۳۷۹، امام علی (ع)
عبادت کننده بی دانش مانند الاغ آسیاب است که می گردد؛ ولی از جایگاه خود بیرون نمی رود.	۷۲۳، امام علی (ع)

۷۱۷، امام علی (ع)	کسی که جاهلانه دست به کاری زند، به رهرویی می ماند که به بی راهه می رود.	نادانی
۳۱۹۴، امام علی (ع)	خداوند بندگان خود را فرمان داده، حال آنکه آنان مختارند و بازشان داشته برای اینکه به آنان هشدار داده باشد و تکلیف آسان فرموده و کار اندک را پاداش فراوان می دهد و نه با زور نافرمانی می شود و نه با اکراه و اجبار فرمانبرداری.	نهی اجبار و اکراه
۳۳۰۸، امام علی (ع)	خداوند نه به زور، نافرمانی شود و نه به زور و اجبار، اطاعت می گردد.	
۳۸۳۵، امام علی (ع)	برترین عبادات، چیره شدن بر عادت است.	نهی پیروی از عادت
۳۵۲۷، امام علی (ع)	هر که از عادت ها پیروی کند، به درجات عالی نرسد.	
۶۴۵۶، امام علی (ع)	در آرا استبداد نکن. هر کس در نظر دادن استبداد ورزد سقوط می کند.	نهی استبداد رأی
۳۷۸، امام علی (ع)	هر که راهنمایی جست، دانا شد. هر که دانا شد، راه یافت و هر که راه یافت، رهید.	هدایت
۳۰۷، امام صادق (ع)	کسی که متعصبانه از چیزی طرفداری نابخا کند، ریسمان ایمان را از گردن خویش باز کرده است.	نهی تعصب

۱-۴-۲- مرحله ۲- کدگذاری محوری

فرایند مقایسه کدها با یکدیگر برای یافتن محور مشترک به شکل گیری مفاهیم از کدها منجر می شود. کدگذاری محوری عبارت است از سلسله رویه هایی که پس از کدگذاری باز با برقراری پیوند میان مقولات، اطلاعات به شیوه های جدیدی با یکدیگر ارتباط می یابند. در کدگذاری محوری، مفاهیم و مقوله هایی که در مرحله کدگذاری باز تجزیه شده اند، در ترکیبی جدید به

هم متصل می‌شوند. در این مرحله مشخص می‌شود که چگونه یک مقوله واحد با مقولات دیگر مرتبط است و شرایط، زمینه‌ها، استراتژی‌های کنش و نتایج آن به دقت جست‌وجو می‌شود (کلاکی، ۱۳۸۸). در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز تدوین شده و در جای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط حاصل شود.

جدول ۳- کدگذاری محوری و شکل‌گیری مفاهیم از کدها

کدها	مفاهیم	نشانه‌گر: آیه، حدیث
تدبیر، دوراندیشی، تعقل، تفکر، بصیرت	تعقل	ملک: ۱۰؛ زمر: ۲۱، ۹، ۱۸؛ غافر: ۵۴ و ۶۸؛ مائده: ۱۰۴ و ۵۸؛ بقره: ۱۰؛ آل عمران: ۶۵؛ انعام: ۱۵۱، ۲۲؛ یوسف: ۱۰۹؛ انبیا: ۶۷؛ حج: ۴۶؛ فرقان: ۴۴؛ یس: ۶۲؛ زمر: ۴۳؛ بقره: ۲۱۹؛ توبه: ۱۲۷؛ منافقون: ۳ و ۷؛ رعد: ۱۹؛ بقره: ۱۷۱؛ انفال: ۲۲. حدیث ۶۳۵، ۱۵۴، ۱۷۰۱ پیامبر اکرم (ص)، ۲۹، ۳۶۲، ۳۳۳۰، ۹۱۷، ۵۸۳۶، ۴۶۷۴، ۴۶۷۸، ۶۹۴، ۱۲۵۱، ۲۱۰۱، ۶۴۵، ۸۶۱ امام علی (ع)، ۱۱۶ امام محمد باقر (ع)، ۱۲۹۱، ۲۴۳۳، ۱۴۴۱ امام صادق (ع)
تربیت، آموزش، تحصیل	تربیت	حدیث ۶۲۸۴ امام علی (ع)، ۱۱۵ و ۱۱۶ امام صادق (ع)
مسئولیت، مورد بازخواست قرار گرفتن، توانایی تصمیم‌گیری	مسئولیت	زلزله: ۸-۹؛ مدثر: ۳۸؛ حدیث ۴۶۷ امام علی (ع)

<p>ابراهیم: ۶؛ آل عمران: ۷۹؛ اعراف: ۱۵۷؛ آل عمران: ۶۴؛ ۳۱۹۴، ۳۳۰۸ امام علی (ع)</p>	<p>اختیار</p>	<p>اختیار، آزادی</p>
<p>۶۲۹۴، ۶۲۹۷، ۵۵۵۴، ۴۷۲۴، ۶۷۷۴، ۴۰۲، ۳۳۳۰، ۳۳۳۴، ۳۳۴۷، ۳۳۴۸، امام علی (ع)، ۷۹، ۲۸۵۵، ۲۸۹۶ پیامبر اکرم (ص)، ۱۹۵ امام حسین (ع)، ۲۰۶۷، ۱۷۷۱ امام صادق (ع)، ۸۲، امام کاظم (ع)، ۱۰۱ امام جواد (ع)</p>	<p>شناخت</p>	<p>شناخت، علم، آگاهی، دانش، فهم</p>
<p>۲۸۱۹، ۴۰۴۹، ۴۸۶۹، ۴۸۶۸، ۵۳۵۱ امام علی (ع)، انعام: ۱۱؛ اعراف: ۸۴ و ۸۶؛ یوسف: ۱۰۹؛ نحل: ۳۶؛ نمل: ۶۹؛ روم: ۹۱ و ۴۲؛ غافر: ۸۲؛ محمد: ۱۰</p>	<p>تجربه ورزی</p>	<p>تجربه، عبرت گرفتن از سرنوشت دیگران، پندپذیری از افراد و وقایع، سیر و سفر برای کسب تجربه</p>
<p>نحل: ۱۲۵ ۵۷۱، ۷۵۷، ۱۲۵۱، امام علی (ع) ۳۵۵، ۵۹۲، ۶۹۷۸، ۲۶، ۶۲۰ امام علی (ع)، ۲۳، ۲۴۰۴ امام صادق (ع)، ۹۴۰ و ۴۱۸۵ پیامبر اکرم (ص)</p>	<p>بحث و گفت و گو</p>	<p>ارتباط با خردمندان، گفت گو، مناظره، مشورت، مباحثه</p>
<p>مدثر: ۳۸؛ بقره: ۱۴۱ و ۱۳۴؛ نجم: ۳۹ حدیث ۵۶۱، ۵۵۲ امام علی (ع)</p>	<p>تلاش</p>	<p>سعی، تلاش، کوشش</p>

زخرف: ۲۳ و ۲۴ ۳۵۲۷ امام علی (ع)	تبعیت غیر مسئولانه	سنت گزایی، جمع گزایی، شخصیت گزایی، پیروی از عادت
۳۷۹، ۴۶۷ و ۷۰۷ امام علی (ع)	جهل	عدم آگاهی، بی اطلاعی
۴۷۷، ۱۲۴۳ و ۳۸۳۵ امام علی (ع)	تکیه بر ظن و گمان	شک و تردید، شبهه
۱۰۸۷ و ۲۴۰۹ امام علی (ع)	شتابزد گی	افراط، تفریط
۳۱۹۴ و ۳۳۰۸ امام علی (ع)	اجبار	اکراه، اجبار
۳۰۲، ۳۰۹، ۳۵۶، ۳۶۶، ۵۳۴، ۱۲۲۴، ۱۸۹۲، ۲۸۷۱، ۲۸۷۸ امام علی (ع)	پیروی از هوای نفس	کبر، تعصب، خودرأی بودن، غلبه احساس بر عقل، هواپرستی، ترس از تنبیه و سرزنش
۳۷۶ امام علی، توبه: ۸۰؛ اعراف: ۱۵۶؛ دهر: ۳؛ یونس: ۳۲؛ قصص: ۶۷؛ طه: ۸۲؛ بقره: ۱۷۳؛ حجرات: ۱۴-۱۷	هدایت	رستگاری، هدایت، ارشاد
۲۰۶۷ امام صادق (ع) (کافی، ج ۲: ۳۰۷)، انعام: ۸ ؛ بقره: ۲۵۶؛ حجرات: ۱۴؛ نحل: ۱۰۶؛ نمل: ۱۴؛ قصص: ۶۷؛ طه: ۸۲؛ بقره: ۱۷۳	ایمان	ایمان، اعتقاد
۱۰۲۵ امام صادق (ع)	یقین	یقین، اطمینان

۷۲۳ امام علی (ع)، نجم: ۲۸؛ بقره: ۴؛ تکوین: ۵؛ آل عمران: ۱۶۷		
--	--	--

۳-۴-۲- مرحله ۳- کدگذاری انتخابی

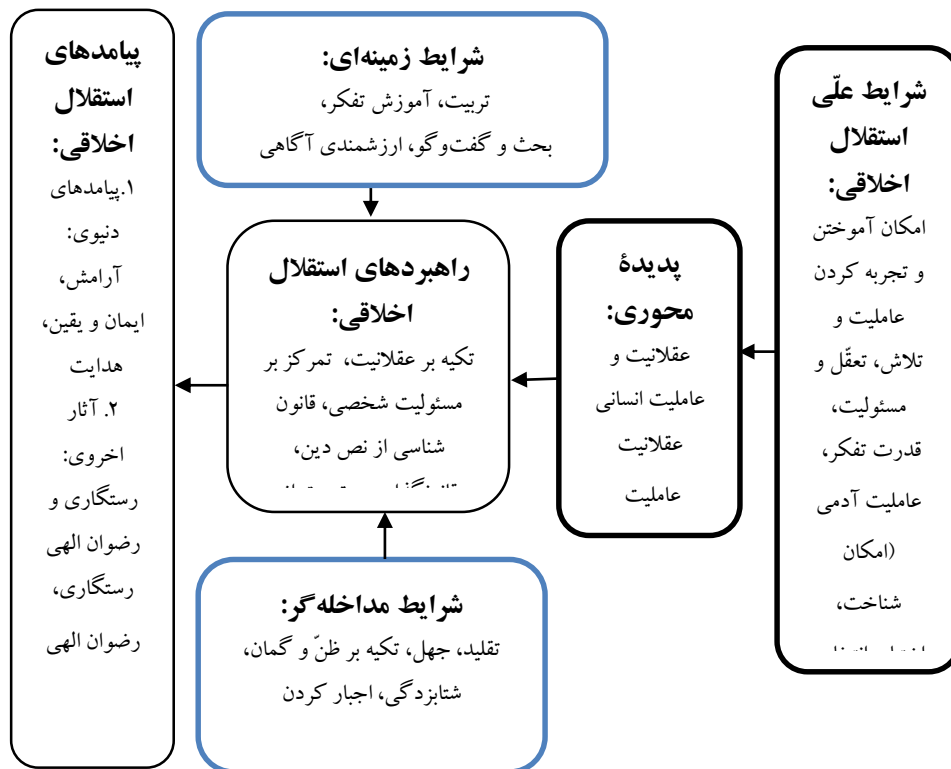
از مقایسه هر مفهوم با مفاهیم دیگر، محورهای مشترک دیگری به دست می آید که مقوله نامیده می شود. در کدگذاری انتخابی با استفاده از کدهای باز مرحله قبل، مقوله محوری انتخاب می شود و به شکلی سیستماتیک به مقولات دیگر ربط داده می شود. در این مرحله روابط اثبات می شود و مقوله هایی که نیاز به بهبود و توسعه بیشتری دارند، تکمیل می شوند؛ بنابراین مقوله محوری، بخش بسیار مهمی از یکپارچه سازی و بهبود مقوله هاست (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). در این مرحله، محقق یک مقوله از مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن است، «به عنوان پدیده مرکزی» قرار می دهد و سپس، مقولات دیگر را بدان مرتبط می سازد. این مقوله ها عبارت اند از: شرایط علی (مقوله های مربوط به شرایط اثرگذار بر مقوله محوری)، راهبردها (کنش ها یا بر هم کنش های خاص منتج از پدیده محوری)، شرایط زمینه ای (شرایط خاص اثرگذار بر راهبردها) و مداخله گر (شرایط زمینه ای عمومی مؤثر بر راهبردها) و پیامدها (خروجی های حاصل از استخدام راهبردها). این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می شود. الگوی کدگذاری روابط میان شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه ای و مداخله گر، راهبردها و پیامدها را ظاهر می سازد (دانایی فرد و مومنی، ۱۳۸۷). در جدول ۴ با کدگذاری محوری، ارتباط مفاهیم و مقوله هایی که در مرحله کدگذاری باز مشخص شده اند، ارائه شده است. در این قسمت با کدگذاری انتخابی، ضمن مرتبط ساختن مقولات با یکدیگر با انتخاب مقوله محوری، استقلال اخلاقی به شکلی نظام مند به دیگر مقوله ها ربط داده شده است.

جدول ۴- کد گذاری انتخابی

مقوله	مفاهیم	کدها
شرایط علی	امکان آموختن و تجربه کردن	شناخت، تجربه ورزی، عبرت، پندپذیری
	عاملیت و تلاش	اختیار انسان، تلاش آزادانه
	تعقل	تعقل، تفکر، بصیرت، تدبر، دوراندیشی
	مسئولیت	مسئولیت، بازخواست شدن، توانایی تصمیم گیری
شرایط زمینه ای	بحث و گفت گو	ارتباط با خردمندان، گفت و گو، مناظره، مشورت
	تربیت و اهمیت آگاهی	تربیت، آموزش
	آموزش تفکر	تشویق تأمل و تدبر و تفکر
شرایط مداخله گر	تقلید	سنت گرایی، جمع گرایی، شخصیت گرایی
	جهل	عدم آگاهی، بی اطلاعی
	تکیه بر ظن و گمان	شک و تردید، شبهه
	شتابزدگی	افراط، تفریط
	اجبار کردن	اکراه، اجبار
	پیروی از هوای نفس	کبر، تعصب، خودرأی بودن، غلبه احساس بر عقل، هواپرستی، ترس از تنبیه و سرزنش
نتایج و پیامدها	هدایت و رستگاری	راهنمایی، رستگاری، ارشاد، هدایت، رضوان الهی
	ایمان	اعتقاد، ایمان
	آرامش و یقین	اطمینان، یقین

در منابعی که به روش داده‌پردازی متنی پرداخته‌اند، دستاورد طبیعی مرحله کدگذاری انتخابی را مدل‌سازی دانسته‌اند و خوش‌بینانه اظهار داشته‌اند که تجزیه و تحلیل پایانی به منظور تکوین نظریه در این مرحله صورت می‌گیرد. با توجه به مؤلفه‌های پدیدار شده از دل داده‌ها در مورد رخدادهای تصویری غنی‌تر از مفاهیم و مؤلفه‌ها فراهم می‌شود و در نهایت، چارچوبی نظری پدیدار می‌گردد. این مرحله نیاز به تفکر، خلاقیت و ابتکار دارد (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰).

نمودار ۱، مدل حاصل از مرحله کدگذاری انتخابی را نشان می دهد.



نمودار ۱- تبیین فرایند استقلال اخلاقی انسان در منابع اسلامی

۳- نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف ارائه الگوی اسلامی استقلال اخلاقی و تبیین فرایند آن انجام شد. بررسی محتوا و تحلیل کدهای آیات قرآنی و احادیث معصومان (ع) نشان داد که استقلال اخلاقی تحت شش مقوله دسته‌بندی می‌شود. شرایط علی و موجبات اصلی استقلال اخلاقی عبارت‌اند از: داشتن قوه عقل و امکان اندیشیدن و آموختن برای انسان، عاملیت آدمی (که عملگر بودن انسان از مبادی شناختی، گرایشی و ارادی عمل سرچشمه می‌گیرد) و قدرت انتخابگری، اختیارمندی و اراده آزاد او که رهاورد عاملیت آدمی است (این عاملیت مسئولیت شخصی انسان را در زندگی بازتاب می‌دهد). مقوله محوری استقلال اخلاقی آدمی در دو مفهوم کانونی عقلانیت و عاملیت اخلاقی او انعکاس می‌یابد. اندیشیدن و از نظر اخلاقی عامل بودن در زمینه‌ها و شرایط خاصی نظیر وجود تربیت عقلانی و رهایی‌بخش در جامعه، ارزشمندی آگاهی و برقراری آموزش تفکر در حوزه عمومی و اولویت مسئولیت‌شناسی و پاسخگویی همگانی در قبال اعمال شخصی و جمعی متبلور می‌شود؛ البته، اغلب موانعی بر سر راه اخلاقمندی قرار دارند؛ نظیر تقلید، جهل، تکیه بر ظن و گمان، شتابزدگی و اجبار کردن در حوزه فردی و اجتماعی. هیچ کس حق ندارد ایده‌هایش را تحمیل کند؛ زیرا آن نقض استقلال شخصی و خودفرمانروایی است و انسان خود مسئول اعمالش است. شتابزدگی مغایر سنجشگری و عقلانیت است. هر کس حق دارد امور مهم زندگی را از زوایای مختلف بیازماید و درباره اینکه چه کاری را انجام دهد و چگونه آن را انجام دهد، بیندیشد. با نظر به شرایط زمینه‌ای و شرایط واسطه‌ای، راهبردهایی که یک عامل مستقل اخلاقمند در پیش می‌گیرد و کنش‌هایی که بروز می‌دهد، عبارت‌اند از: تکیه بر عقلانیت و تمرکز بر مسئولیت شخصی، قانون‌شناسی از نص دین، قانونگذاری و تبعیت از آنها. از آنجا که دین راهنمای انسان و موادی برای عقلانیت اوست، سرشار از دستورالعمل‌ها و ارزش‌های اخلاقی است؛ از همین رو، عامل مستقل اخلاقی می‌تواند به متون دینی رو کرده و از آن، معیارها و قواعد اخلاقی را بازیابی نماید؛ البته، دین اسلام مانع قانونگذاری شخصی و جمعی هم نیست. نتیجه و

ماحصل راهبردهای فوق، هدایت‌پذیری، ایمان‌آوری آگاهانه و نه پذیرش کورکورانه و ایمان تقلیدی، آرامش قلبی در دنیا، رستگاری و رضوان الهی در سرای آخرت است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نرم افزار جامع الحدیث ۳ و ۵.

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۹۲). **اسلام و تعلیم و تربیت**. قم: بوستان کتاب.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۳۰۶). **التعریفات**. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- بارو، رابین؛ وودز، رونالد. (۱۳۷۶). **درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش**. ترجمه فاطمه زیباکلام. تهران: دانشگاه تهران.
- بهمنی، طاهره؛ صفایی مقدم، مسعود؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر؛ مرعشی، سیدمنصور. (۱۳۹۵). **«تبیین استقلال اخلاقی به‌عنوان یک هدف تربیتی (با تأکید بر آرای کانت و پیتروز)»**. چاپ‌شده در دو فصلنامه فلسفه و تربیت. س ۱، ش ۱، صص ۶۹-۹۰.
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). **«استراتژی پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد»**. چاپ‌شده در مجله اندیشه مدیریت راهبردی. س ۱، ش ۲، صص ۵-۳۰.
- دانایی‌فرد، حسن؛ مؤمنی، نونا. (۱۳۸۷). **«تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی علیه‌السلام - استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی»**. چاپ‌شده در فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. س ۴، ش ۱۴. صص ۷۵-۱۱۰.
- سالیوان، راجر. (۱۳۸۰). **اخلاق در فلسفه کانت**. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: طرح نو.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۲). **نهایه الحکمه**. قم: جامعه مدرسین.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۵۲). **تفسیر مجمع البیان**. ترجمه احمد بهشتی. تهران: فراهانی.

عمید، حسن. (۱۳۸۶). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: امیرکبیر.

فناپی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). **معنویت از نگاه قرآن**. قابل دسترس در www.cgie.org.ir/fa/news/ ۱۳۹۶.

کانت، ایمانوئل. (۱۳۸۵). **تمهیدات**. ترجمه غلامعلی حداد عادل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
کانت، ایمانوئل. (۱۳۸۷). **سنجش خرد ناب**. ترجمه میرشمس الدین ادیب سلطانی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

کانت، ایمانوئل. (۱۳۸۸). **مابعدالطبیعه اخلاق (فلسفه فضیلت)**. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی. تهران: نقش و نگار.

کانت، ایمانوئل. (۱۳۹۲). **تعلیم و تربیت**. ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کلاکی، حسن. (۱۳۸۸). «**نظریه بنیادی به مثابه روش نظریه پردازی**»، چاپ شده در مجله نامه پژوهش فرهنگی. س ۱۰، دوره ۳، ش ۶. صص ۱۱۹-۱۴۰.

مهرابی، امیرحمزه؛ خنیفر، حسین؛ امیری، علی نقی؛ زارعی متین، حسن؛ جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۰). «**معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک**

نمونه)». چاپ شده در مجله مدیریت فرهنگ سازمانی. س ۹، ش ۲۳، صص ۳۰-۵.

نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۸۷). **درآمدی به فلسفه**. تهران: نشر طهوری.

- Creswell, J. W. (2005). *Educational research Planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research (2nd ed)*. Upper Saddle River, N.J: Merrill.

- Dearden, R. F (1975). *Autonomy as an educational Ideal*, in *Brown, S.C (ed) philosophers Discuss Education*, London: Macmillan.
- Gracia, D. (2012). *The many faces of autonomy* ,Springer Science+Business Media B.V.
- Kroflič,R (2005). Is Authonomy still an Acceptable Education and Socialisation Goal of Public Education?, *Contemporary Pedagogy*, vol. 56 (122), no. 5, pp. 18-35.
- Nickel ,J. (2007). Interests and Purposes in Conceptions of Autonomy, *Paideusis*, Volume 16, No. 1, pp. 29-40
- Peters R, .S. (1966). *Ethics and Education*. London: Allen and Unwin.
- Schneewind, J. B.(1999). *The invention of autonomy: a history of modern moral philosophy*. Cambridge University Press.